

## قرآن و کثرت گرایی دینی (پلورالیسم)

### مبانی، زمینه ها و انگیزه ها

سید حسین هاشمی

انسان و دین دو همزادند، نهاد دین به قدمت حیات انسانی پیشینه دارد، تازه ترین تحقیقات میدانی بیش از ۹۵ درصد مردمان را از شرق تا غرب عالم مؤمن به خداوند نشان می دهد. از همین رهگذر دین و پیشینه دین باوری آدمیان را نیز می توان به بلندای عمر بشر برآورد کرد، بر پایه این واقعیت‌های عینی و مفروض است که تعریف انسان از «موجود اندیشه گر» و یا «سیاست ورز» به موجود «دین ورز» موجه تر می نماید و طرفداران بیشتری در میان جامعه شناسان و انسان شناسان می یابد.

هم آغوشی انسان و دین و نقش تحول آفرین و دگرساز آن در آحاد و جوامع بشری از سویی و تعدد پیام آوران ادیان و تغییرپذیری معرفت دینی در ظرف تکامل خرد و فرهنگ آدمیان از دیگر سو، موضوع دین و سویه های آن را به یکی از پیچیده ترین حوزه های معرفت بشری مبدل ساخته است؛ موضوعی که همواره در سطح نظر و اندیشه و

مجاملات حلقه های فکری توقف نکرده و به عرصه تعامل و روابط ملتها و فرهنگها پا نهاده و تنشها و خصومت‌های ویرانگر و سامان براندازی را سبب گشته است، هر چند که در پاره ای از موارد آموزه های دینی پشتوانه تساهل، مدارا و رفتار مهرآمیز پیروان یک دین با سایرین نیز بوده است. کاوش در چیستی دین و دین ورزی از ضرورت‌های گریزناپذیر زمانه ماست؛ ضرورتی که پی آیند روابط تنگاتنگ بشر امروزی و گره خوردن سرنوشت ملتها و انسانها به یکدیگر است، به گونه ای که از دنیای زمانه ما گاه به دهکده جهانی و گاه به جهانی واحد تعبیر می شود.

و به قول نهرو - که سالها پیش جهانی ساده تر از دنیای کنونی ما را توصیف کرده است - امروز محیط همه به اندازه اجتماع جهان وسعت یافته است، سازمانهای اجتماعی با جهان بینی های گوناگون با یکدیگر تصادم پیدا می کنند که در ماورای هر یک از آنها فلسفه های زندگی متفاوت با دیگری وجود دارد. نسیمی که در یک جا می وزد در جای دیگر طوفان عظیم بر می انگیزد و ضد طوفان در جای دیگر در مقابل آن به وجود می آید.<sup>۱</sup>

پس باید چاره ای جست و تدبیری اندیشید و این خود یکی از علل پیدایی و شیوع اندیشه پلورالیستی از سوی متدینان مشفق و فراخ نگر مسیحی بوده است.

هر چند که پاره ای نیز ایده های استعماری دولتها و اندیشه وران غربی و خلأهای دیانت مسیحی و آموزه های خرد ستیز آن در طرح پلورالیسم دینی را مؤثر می شمارند و ما در بخشهای آینده بیشتر در این باره سخن خواهیم گفت.

### پرسشهای نوآمد دینی

معرفت دینی در عصر کنونی با پرسشهایی بنیادین و متفاوت با گذشته روبه رو است؛ پرسشهایی در زمینه های راز تعدد ادیان، لبّ و گوهر دین و دین ورزی، نقاط اشتراک و افتراق ادیان، نجات و

رستگاری پیروان ادیان گوناگون در عین تعارض و تناقض پاره ای از مدعیات ادیان. نیز پرسشهایی از این دست: خداوند نسبت به اختلاف ادیان بی تفاوت است و یا خود، تفاوتها را می طلبد و یا یکی از ادیان را گزینه برتر می شمارد؟ آیا حقیقت دینی در تمامی ادیان به گونه یکسان و برابر وجود دارد؟ آدمیان در انتخاب و گزینش هر دینی مختار و آزادند و یا آن که حق یگانه است و چنین آزادی وجود ندارد؟ جست و جوی حقیقت راه است و یا هدف؟ راه حل ممکن در برخورد با واقعیت متکثر ادیان در جهان معاصر چیست؟ چگونه می توان پیروان ادیان را به هم زیستی و دگرپذیری واداشت؟... این نوشتار می کوشد مبانی پلورالیسم دینی را از منظر درون دینی و قرآنی به ارزیابی بنشیند و پیش از آن به انگیزه ها و زمینه های اجتماعی سیاسی و تاریخیچه کوتاه پلورالیسم به گونه گذرا بپردازد.

### تعریف پلورالیسم

پلورالیسم (Pluralism) از واژه پلورال (Plural) که در زبان انگلیسی به معنای جمع است برگرفته شده و معنای آن در لغت، تعدد و تکثر است. در کلیسای مسیحی برای افرادی که چند شغل هم زمان داشته اند، پلورالیست گفته می شده است.

پلورالیسم در اصطلاح معانی متعدد و گوناگونی دارد که یافتن قدر مشترک برای جملگی آنها را دشوار می سازد. با این حال شایع ترین معنای پلورالیسم، تعدد و تکثر ادیان حق است. از همین رهگذر برخی گفته اند، پلورالیسم را باید آیین کثرت گرایی نامید، بدین سان میان معنای اصطلاحی و لغوی پلورالیسم (جمع) نوعی مناسبت وجود دارد.

### تاریخچه پلورالیسم

اصطلاح پلورالیسم را گویی نخستین بار هرمان توتسه (Hormann Totze) (۱۸۱۷ - ۱۸۸۱م) فیلسوف و طبیعی دان آلمانی در سال ۱۸۴۱ در کتاب خود به نام مابعدالطبیعه به منظور نمایاندن کثرت عناصر و عوامل در طبیعت، وارد فلسفه غرب کرد. او بر این باور بود که اشیاء عالم هر چند متکثرند؛ اما بر یکدیگر تأثیر و تأثر و فعل و انفعال دارند، پس مستقل نیستند؛ زیرا تأثیر فرد مستقل بر فرد مستقل دیگر معنی ندارد؛ بنابراین این با هم پیوند معنوی دارند. و به دیگر سخن، آنچه می بینیم حالتی گوناگون یک وجود اصیل است که مبدأ کل و محیط بر همه اشیاء است، این نگاه پلورالیستی به طبیعت در گذر زمان به معرفت دینی تسری یافت. ۲

فلسفه پلورالستیک اسپنری در طبیعت را که می گوید همه چیزها در جهان به رغم اختلافهایی که دارند یگانه و هم گوهرند، نیز می توان زمینه ساز اندیشه پلورالیسم دینی در غرب برشمرد. ۳ اندیشه لیبرالیسم و پلورالیسم سیاسی نیز بر پلورالیسم دینی تأثیر چشمگیر داشته است. منتسکیو (۱۶۸۸ - ۱۷۵۵م) فیلسوف فرانسوی که تاریخ نگاران اندیشه های سیاسی او را نخستین متفکر قرن هجدهم نام نهاده اند در کتاب خود «روح القوانين» به این نتیجه می رسد که اخلاق، آداب و رسوم و قانون و مذهب، هر یک شأن جداگانه دارند و تنها باید با یکدیگر تناسب داشته باشند. او پایه گذار اصل «تفکیک قوای سه گانه» بود که به حوزه های فرهنگی و معرفت دینی نیز ره سپرد، بدین سان به نظر می آید که او پلورالیسم (اصالت تکثر فرهنگی) را باور داشت. ۴

پلورالیسم دینی در غرب با یک حرکت تدریجی از ملایم ترین وجه آن (پلورالیسم هنجاری و اخلاقی) آغاز و امروزه به شدیدترین وجه آن؛ یعنی تعداد ادیان حق رسیده است.

اسقف اعظم ارتدکس جهان (یانیس بسکیونوس) در شمار نخستین کسانی است که از گفت و گوی بین ادیان سخن گفت. گام دوم در رشد نظریه پلورالیسم طرح پلورالیسم نجات بخشی و معذوریت پیروان جاهل ادیان غیرمسیحی بود که در سال ۱۸۵۴ از سوی شخص پاپ اعلام گردید. در سال ۵ - ۱۹۶۳ دومین شورای واتیکان مسلمانان معذور را موحد خواند.

جان هیک (J. H. Hick) (زاده شده به سال ۱۹۲۲) بزرگ ترین نظریه پرداز معاصر پلورالیسم، حرکت واتیکان را مهم و ارزنده اما ناقص ارزیابی کرد، چه آن که بیانیه یادشده، مسلمانان غیرمعذور و غیرمسلمانان را در بر نمی گرفت. از این رو وی به هدف شکستن دیوار انحصارگرایی دینی، وجه فرجامین پلورالیسم و نظریه پلورالستیک حقیقت شناختی (بهره مندی تمام ادیان از حقانیت و رستگاری) را پی ریخت و این نظریه خود را «انقلاب کپرنیکی در الهیات» نام نهاد.

اندیشه های پلورالیستی پس از غرب و دنیای مسیحیت به جهان عرب و شبه قاره هند راه یافت. اندیشه وران عرب که از ایده پلورالیسم به «علمانیت» تعبیر می کردند به دو گروه موافق و مخالف تقسیم گشتند. چهره هایی چون «حسن حنفی» و «نصر حامد ابوزید» از مدافعان و تئوری پردازان معاصر دنیای عرب در جهت تبیین و بسط اندیشه پلورالیسم دینی و حقیقت شناختی اند.

در شبه قاره هند به دلایل چندی که جای طرح و پیگیری آنها نیست؛ پلورالیسم بیش از دنیای عرب با اقبال مواجه بود؛ چنان که گاه این گمانه پدید می آید که در این سوی دنیا هم زمان با غرب و یا حتی جلوتر از آن، اندیشه های خویشاوند و همسو با نظریه پلورالیسم مسیحی مطرح بوده است. گرایشهای پلورالستیک در نیمه نخست قرن بیستم دانش آموختگان هندی چون پروفیسور رادکرشینان و روبیندو را بر آن داشت که در صدد تلفیق آیین هندو و مسیحیت در مذهب عام تری برآیند تا در نتیجه مذهب جدیدی فراهم آورند. ۶ بی گمان این اقدام پشتوانه ها و پیش فرض هایی از پلورالیسم حقیقت شناختی و نجات بخشی و گوهر ادیان را با خود داشته است؛ و گر نه تلفیق دو آیین غلط یا ناسازگار در تمام جهات، ممکن و میسر نیست.

گاندی (در گذشته به سال ۱۹۴۸م) در دفاع از نگرش پلورالیستی و تبیین آن نوشت: «قاعده زرین» رواداری متقابل است؛ زیرا همه ما هرگز عقاید یکسانی نداریم و همواره تنها بخشی از حقیقت را از زوایای مختلف می بینیم. ۷ و سپس مبنای فلسفی اندیشه خویش را بدین گونه برمی شمرد.

«فکر می کنم که در دنیا جز یک دین وجود ندارد و تنها یک دین. همچنین معتقدم که آن درختی تنومند است که شاخه های بسیاری دارد... و همان گونه که شاخه ها شیره از منبع واحد می گیرند، همه ادیان نیز جوهر خود را از همان چشمه اخذ می کنند که سرچشمه است. اساس دین یکی است؛ زیرا خدا یکی است و خدا یک کل کامل است، نمی تواند شاخه های زیاد داشته باشد. بلکه تجزیه ناپذیر و وصف ناپذیر است، در نتیجه بی اغراق می توان گفت که خدا به اندازه انسانهای روی زمین دارای نام است، نامی که بر وی می نهیم چندان مهم نیست، او یکی است و ثانی ندارد.»

پیشینه اندیشه های پلورالیستی در ایران را تا نیم قرن پیش برگردانده اند، اما نه با نام پلورالیسم یا عناوین دیگر چون صراط های مستقیم و یا... بلکه از تعدد ادیان حق و انحصار یا عدم انحصار آن در اسلام سخن به میان می آمده و کسانی چون «کیوان قزوینی» از نگاه پلورالستیک و «شیخ مجتبی

قزوينی» و سپس «علامه طباطبایی»، «مهندس بازرگان»، «شهید مطهری» از منظر وحدت دین حق به ادیان موجود جهان می نگریسته اند.

البته اگر از منظر درون دینی به مسأله بنگریم، پلورالیسم اخلاقی و هنجاری از همان آغاز نزول قرآن در میان مسلمانان مطرح بوده است؛ چنان که بحث از حقانیت اسلام به مثابه آخرین پیام آسمانی از سلسله ادیان الهی و وحیانی با آشکارترین وجه آن در قرآن آمده است. بنابر این نظریه «ویلفرد کنت ول اسمیت» را درباره اسلام نمی توان پذیرفت، او می گوید:

«این یک انحراف جدید است که کسی فکر کند مسیحیت بر حق است یا اسلام، این امر اساساً میراث عصر روشنگری است؛ دوره ای که غرب ادیان را همچون نظامهای عقلی و انگاره های عقیدتی فرض نمود؛ به گونه ای که برای نخستین بار بر ادیان برجسب مسیحیت و آیین بودایی زده شد و درست و نادرست نامیده شدند.»<sup>۸</sup>

دیانت اسلامی با نظر داشت سایر ادیان و نام بردن از آنها خود را حق مطلق می دانسته و پیروان دیگر ادیان را به پیروی و گرایش به خود فرا می خوانده است. بنابر این آنچه ویلفرد اسمیت می گفت در مورد اسلام پذیرفته نیست.

#### زمینه های معرفتی و اجتماعی پلورالیسم دینی

کثرت گرایی دینی از دل آیین مسیحی و جامعه غربی سرزد. زمینه هایی را که به پیداشدن این ایده انجامید از جمله می توان در این موارد به جست و جو نشست:

یک. فروکاستن اعتبار دین مسیحی. گذار از قرون وسطی و گام نهادن به عصر روشنگری در جهان غرب، فروکاستن ارزش دین و آموزه های دینی مسیحی را در پی داشت و این به چند دلیل بود:

۱. عملکرد و رفتار سوء ارباب کلیسا در دوران حاکمیت کلیسا و درآمیختن ایده ها، رفتارها و هواهای شخصی نفسانی پرچمداران و شاخصهای دین داران مسیحی با سنت و الهیات مسیحی.

۲. نارسایی های معرفتی دین مسیحی. عقل گرایی و خرد داوری به عنوان بارزترین شاخصه نهضت روشنگری اروپا از یک سو و ناسازگاری بسیاری از آموزه های مسیحیت و اناجیل چهارگانه با عقل و منطق و نیز تضاد معارف هر یک از اناجیل چهارگانه با دیگری پرسشهایی از این دست را به وجود آورد که آیا دین مسیحیت حق است؟ آیا پیامبری به نام عیسی وجود تاریخی داشته است؟ و...

ویلیام مونتگمری وات یک نمونه از این آموزه ها را بدین گونه شرح می دهد:

«عیسی در روز جمعه مصلوب شد و بدن او در همان روز قبل از آغاز روز شنبه به خاک سپرده شد. وقتی که حواریون صبح روز یکشنبه بر سر قبر او گردآمدند قبر را خالی یافتند، تقویم مسیحیان مبتنی بر این عقیده برگرفته از انجیل لوقا (باب ۲۴ آیات ۴۹ تا ۲۵ و اعمال رسولان باب ۱ آیه ۳) است که می گوید عیسی در طول چهل روز بعد در زمانهای متعدد برای گروهی از حواریون ظاهر شد، و در چهلمین روز به آسمان صعود کرد و در سمت راست خداوند جای گرفت، و در پنجاهمین روز روح القدس بر حواریون و دیگر مؤمنان فرود آمد، اما گزارشهای سایر اناجیل با این عقیده تفاوتهایی دارد.»<sup>۹</sup>

۳. با گسترش فرقه های مذهبی که پرشمار و ناسازگار بودند در درون مسیحیت که چاره جویی در جهت تنش زدایی و دگرپذیری در داخل جامعه مسیحی را می طلبد، پلورالیسم راه مناسب برون رفت

از بحران روابط پیروان مذاهب و نحله های دین مسیحی به شمار می آمده، ویل دورانت (۱۹۸۱ - ۱۹۸۵م) از اوضاع آشفته دینی غرب هم زمان با نهضت روشنگری چنین سخن می گوید:

«چنین معلول عظیمی "پیدایی و پیروزی نهضت روشنگری" علاوه بر گسترش علم و بسط معرفت تاریخی، علت‌های متعدد دیگر داشت؛ از این علت‌ها نخست اصلاح دینی پروتستان بود... بعد کثرت فرق پروتستان و مذاهب مغایر دیگر بود که همه هم به کتاب مقدس و هم به عقل و استدلال تمسک می جستند، پس از آن نقد جامع کتاب مقدس و به نمایش گذاشتن این مجموعه شگفت انگیز به صورت اثری از آثار ناقص انسان‌های جایز‌الخطا بود، بعد نهضت خداپرستان انگلستان بود که دین را تا حد اعتقادی مبهم به خدایی که به زحمت از طبیعت قابل تشخیص بود کاهش داد، بعد آشنایی روزافزون مسیحیان بود با ادیان دیگر که اساطیرشان - غالباً اساطیر قبل از مسیحیت - تا سر حدّ یأس با اساس واقعی تلقی شده معتقدات موروثی مسیحیان شباهت داشت، بعد پرده برداشتن پروتستانها از معجزات کاتولیکها، پرده برداشتن خداپرستان از معجزات کتاب مقدس و به طور کلی آشکارسازی نیرنگ‌های دینی و تفتیشها و قتل عام های تاریخ مسیحیت بود.» ۱۰

به گفته محمد لگنهاوزن نیز کثرت گرایی دینی به دلایل متعدد در زمینه پروتستان‌یسم لیبرال روییده است:

«کثرت گرایی دینی پیامد پروتستان‌یسم لیبرال است که اولاً: ناگزیر به تفسیر غیرمتعارف کتاب مقدس و تعلیمات دینی مسیحی است تا به وسیله راه های دیگری غیر از دین مسیحی، دست یابی به نجات میسر گردد.

ثانیاً: نسبت به براهین عقلی موافق با برتری باورهای دین مسیحی تردید دارد.

ثالثاً: به اصول اخلاقی جدید تسامح و ردّ تعصب متوسل می شود.

و رابعاً: بر عوامل مشترک ایمان مذهبی شخصی، خصوصاً بر بعد باطنی و توجه به بی نهایت تأکید می کند؛ حال آن که برای ظاهر دین در شریعت، مراسم و عقاید دینی اهمیت کمتری قائل است.» ۱۱

دو. بازتاب لیبرالیسم در پلورالیسم؛ نظریه سیاسی لیبرالیسم که بر دو قلمرو امور عمومی و شخصی تأکید می ورزید و از سویی نیز دین را جزو امور شخصی قلمداد کرده و گرایشهای دینی متفاوت را به عنوان آزادی های شخصی به رسمیت می شناخت، بستر مناسب برای رشد و شکوفایی پلورالیسم دینی فراهم آورد. تشکیل فرهنگ یک پارچه جهانی که از آرمانهای لیبرالیسم بود با پلورالیسم دینی امکان تحقق بیشتر یافت.

سه. گره خوردن سرنوشت ساکنان زمین به یکدیگر و تبدیل جهان به یک واحد ارتباطی ضرورت تفاهم ادیان را بر تابیده و اندیشه هم زیستی و بهره مندی تمامی ادیان از حقانیت را فراهم آورده است.

چهار. رواج اندیشه های الحادی و ضددینی نیز گاه سبب تفاهم و هم گرایی اندیشمندان دین مدار ادیان گوناگون گردیده است.

پنج. افول معنویت در غرب را نیز می توان یکی دیگر از عوامل رویکرد مسیحیت به دیالوگ و گفت‌وگو بین ادیان برشمرد.

شش. آشنایی پاره ای از عالمان اهل کتاب به درستی دعاوی دیانت اسلامی از سویی و وجود ملاحظاتی در ترک دین آبايي و اجدادی ایشان، دست کم سبب شده است که آنها به اسلام به عنوان دین سهیم در حق و حقیقت بنگرند.

#### انگیزه های طرح نظریه پلورالیسم

۱. بستر تاریخ روابط پیروان مذاهب و ادیان جهان، پر از خونهایی است که در جنگ و ستیز میان پیروان ادیان ریخته شده است. دور از انتظار نیست که خشکاندن سرچشمه های این تعامل خونبار، مسیحیان مهربان و دلسوزی را برانگیزد تا تصمیم گیرند که از تکرار رویدادهای شوم گذشته در میان پیروان ادیان جهان جلوگیری کنند.

«این امر یکی از مهم ترین انگیزه های پیدایش کثرت گرایی دینی مسیحی است.» ۱۲

۲. اروپای مسیحی تعصب دینی را بیش از هر مورد دیگر در مخالفت با یهود - نژاد سامی - به کار می بردند؛ چه یهودیان به عنوان قاتلان حضرت مسیح شمرده می شدند. تسامح لیبرالی برای اعتقادات غیرمسیحی در بیانیه حقوق بشر ثبت شد، ولی هنوز هم یهودیان به عنوان قاتلان حضرت مسیح مورد لعن در همه کلیساها جهان قرار می گرفتند؛ تنها در دهه ۱۹۶۰ بود که با تصویب شورای واتیکان دوم اصطلاح یهودیان کاذب که در مراسم کلیسا به یهودیان خطاب می شد اعلام گردید.

از این رو می توان گفت هم زمان با ایده تشکیل دولت یهود، کار فکری در جهت طرح و گسترش اندیشه لیبرالیسم دینی در سراسر اروپا از سوی جریانهای فکری سیاسی چون فراماسونری و اندیشمندان یهودی و طرفداران آنها آغاز گردید، تا زمینه پذیرش حمایت از دولت یهود در اروپا و ملتهای اروپایی و مسیحی را فراهم آورند. به دیگر سخن، کثرت گرایی دینی کوششی است برای ساختن بنیادی در الهیات دینی مسیحی برای تسامح و تحمل ادیان دیگر، به ویژه یهودیت، بویژه هرگاه در یابیم میوه شیرین کثرت گرایی را پیش از همه یهودیان و به تعبیر درست تر صهیونیسم سیاسی چیدند، و در پرتو اندیشه پلورالیسم سیاسی و پلورالیسم دینی بود که توانستند در جوامع اروپایی و مسیحی مورد پذیرش و حمایت واقع شوند. درستی این گمانه آن گاه نمودارتر می شود که ما موضع تکثرگرایان و پلورالیستی جریانهای وابسته به یهودیت، همچون فراماسونری را در نظر بگیریم، و از دیگر سو حساب صهیونیسم و یهودیت سیاسی را با یهودیت مذهبی که طرفدار انحصارگرایی و خودممتاز بینی نژادی و دینی هستند، جدا بشماریم. ۱۳

۳. غرب استعمارگر و توانمند از نظر تکنولوژی و قدرت صنعتی و نیازمند تأمین مواد خام و تشنه گسترش سلطه استعماری بر جهان غیرمسیحی، نیازمند هموارکردن راه ورود در سایر جوامع دینی بود. از مهم ترین موانع موجود بر سر راه آنان تعصب دینی پیروان سایر ادیان بود، نظریه پلورالیسم دینی هم زمان دو رهاورد مثبت برای دولتهای استعماری و تئوری پردازان حامی آنان داشت؛ نخست آن که پیروان ادیان را به تسامح و تساهل در برابر مسیحیان استعمارگر وا می داشت، و دیگر اینکه پذیرش پلورالیسم به مفهوم بیرون راندن دین از حوزه امور اجتماعی و جای دادن آن در ذهن و اندیشه افراد بود، و این هر دو ارزش بسی افزون در گشایش درهای جوامع دینی غیرمسیحی برای مسیحیان استعمارگر داشت.

۴. یکی از انگیزه‌هایی را که در وادی ایده پلورالیسم دینی نهفته است می‌توان از سخن ادگار مورن به دست آورد، او می‌گوید:

«مذاهب زمینی به مراتب ضعیف‌ترند، چون می‌توان بررسی کرد که آیا حقیقت می‌گوید یا نه؟ در حالی که مذهب ملکوتی بسیار قوی است. به اعتقاد من مذاهب بزرگ تا بی‌نهایت دوام دارند، اما نمی‌توانیم بگوییم چگونه، مگر آن که مذهب جدیدی ظهور کند و بتواند پیروان چندی در میان مذاهب موجود به دست آورد. ملکوت دوام دارد و حال آن که اساطیر زمینی می‌میرند. ... من شخصاً هوادار مذهب نو هستم؛ یعنی مذهب بدون خدای وحی شده و حتی بدون خدا، مذهبی که اتحاد انسانها را فراهم آورد؛ همانند آنچه من «زمین موطن» نامیده‌ام.» ۱۴

در بخش مبانی پلورالیسم این نوشتار، یادآور شده ایم که زمینی کردن ادیان یکی از مبانی فلسفی تکثرگرایی دینی است.

مبانی پلورالیسم دینی

یک. گوهر یگانه ادیان

وحدت گوهری ادیان در شمار مهم‌ترین مبانی اندیشه پلورالیستی دینی است. از نظر پلورالیست‌ها (یا وحدت‌گرایان) شرایع، مناسک و اشکال ظاهری عبادات به تناسب گوناگونی ادیان مختلف است، اما این تفاوتها نقشی در گوهر مشترک و یگانه ادیان ندارد. ادیان و پیروان آنها همه در پی معرفت حق و جست‌وجوی یک حقیقت غایی هستند که خود بر آنها نامهای گوناگون نهاده اند، هدف جمله ادیان آن است که آدمی را از خودِ ظاهر، ناپایدار، فانی و تغییرناپذیر به حقیقت ثابت، پایدار و لایزال رهنمون شوند.

«فریتیهوف شوان» و شاگردان وی و فردریک شلایرماخر (۱۷۶۸ - ۱۸۳۴) از جمله کسانی هستند که به وحدت متعالی ادیان قائل اند ۱۵ از نظر «ماخر» کثرت ادیان نتیجه احساسات و تجربیات دینی متنوع است و از همین رو تمام آنها در بردارنده حقیقت الهی هستند. به نظر او «تجربه دینی باطنی» گوهر همه ادیان است. ۱۶

سخنانی از عارفان مسلمان این گمانه را پدید آورده است که عرفان و عارفان مسلمان از دیده وحدت گوهری ادیان گوناگون و حق بودن آنها حمایت می‌کنند.

وحدت گوهری ادیان به طور اجمال مورد تأیید نصوص اسلامی و قرآنی نیز هست، از منظر قرآن ادیان آسمانی که دارای کتاب و حیانی هستند گوهر مشترک دارند که نام آن «اسلام» است:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» آل عمران/۱۹

به یقین در پیشگاه خداوند، دین همان اسلام است.

در این آیه مبارکه رابطه دین و اسلام، رابطه این همانی معرفی شده است که بیانگر انطباق کامل این هر دو مفهوم بر یکدیگر است، و بود و نبود هر یک مساوق بود و نبود دیگری است، و این همان ویژگی، لب، گوهر و جانمایه یک چیز است.

محمد رشید رضا در تفسیر المنار در تفسیر این آیه مبارکه می‌نویسد:

«روح دیانت اسلامی و ملاک و معیار آن توحید و اخلاص است که از آن به اسلام تعبیر می‌شود.» ۱۷

اما نکته این است که وحدت گوهری ادیان، حقانیت تمامی ادیان را نتیجه نمی دهد، زیرا گوهر یگانه دین - چه اسلام باشد و یا هر چیز دیگر - تصدیق و قبول آورنده آن دین را نیز دربردارد؛ چه بدون تصدیق آورنده پیام، موضوع دین محقق نمی شود. تصدیق آوردندگان ادیان از آن رو که در افق تاریخی واقع شده اند، ترتیب بعثت و پیام آوری آنان از جهت زمان را نیز در پی دارد و اولیت و آخریت در آن نقش دارد. و این خود به نتیجه ای ناسازگار با پلورالیسم می رسد؛ زیرا لازمه تصدیق پیامبر اسلام به عنوان آخرین آورنده وحی الهی و دین آسمانی آن است که انسانها در عصر کنونی مکلف به پذیرش دیانت اسلامی اند. از همین رهگذر است که قرآن کریم تصدیق تمامی پیامبران الهی را با در نظر داشت ترتیب زمانی آنها شرط بهره وری از گوهر دین (اسلام و ایمان) می شمارد:

«قولوا آمنا بالله و ما أنزل الینا و ما أنزل إلی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الأسباط و ما أوتی موسی و عیسی و ما أوتی النبیون من ربهم لانفرق بین أحد منهم و نحن له مسلمون»  
بقره/۱۲۶

بگویید: ما به خدای جهان ایمان آورده ایم و به آنچه که بر ما نازل شده است ایمان داریم و به هر پیامی که بر ابراهیم، اسماعیل، اسحق، یعقوب و فرزندزادگان یعقوب نازل شده است ایمان داریم و به تورات موسی و انجیل عیسی و به هر آنچه از سوی خدا بر پیامبران داده شده است ایمان داریم، ما هیچ یک از پیامبران را بر دیگری ترجیح نمی دهیم و در برابر خدا سر تسلیم فرود آورده ایم.

#### دو. تکافؤ دلایل

حقانیت هر دینی آن گاه که نسبت به انسانها و دین داران در نظر گرفته شود، بدین معنی است که دلیل معقول بر صدق سازواره و گزاره های بنیادین آن دین وجود دارد. ادامه حیات ادیان بزرگ در گذر قرن‌ها و استدلال پیروان ژرف نگر و اندیشمند آنها برای اثبات حقانیت ادیان خاص، نشانگر آن است که دلایل حقانیت این ادیان به مرتبه ای از اتقان رسیده است که برتری یک دین بر دیگری را ناممکن ساخته است؛ یعنی عقل منطقی و فلسفی در مورد آن ادیان و ادله آنها حکم به بطلان قطعی نمی دهد، «این مقدار مینیمم از حقانیت اولیه است که زمینه را برای حق برای... فراهم می کند.» ۱۸

یکی از دین پژوهان معاصر در تبیین این مبنا می نویسد:

«مسئله این است که در حال حاضر واقعاً اثبات قطعی حقانیت یا بطلان یک دین غیرممکن گشته است. مباحث فلسفی نشان می دهد ما با ادیان متعدد و متفاوت که هر کدام دلایلی برای مقبولیت و حقانیت خود ارائه می کنند، مواجه هستیم و این دلایل به آسانی و روشنی نه قابل نقض نهایی هستند و نه قابل ابرام نهایی، پس کثرت فلسفی ادیان واقعیتی است که خود را بر ما تحمیل می کند.» ۱۹

بدین سان نتیجه همان می شود که نویسنده صراط های مستقیم در پی آن است:

«پلورالیسم در این عرصه "اعتقادات" وقتی مطرح می شود که تکافؤ ادله حاصل شده باشد و عقل

دینی به بن بست رسیده باشد.»

پس از پذیرش این مطلب که ادیان دارای روح و گوهر یگانه و مشترک هستند به طور طبیعی این فرآیند به دست می آید که پس تمام ادیان در بخش گوهری و جانمایه خویش حق اند؛ یعنی با فطرت و عقل منطقی و فلسفی آدمی سازگار هستند. اما سخن بر سر این است که در بخش تفاوت‌های ادیان،



آیا عقل انسان تمام ادیان را برابر می‌شمارد و یا آخرین پیام رسیده از جانب خداوند را نزدیک تر به حق و واقع می‌یابد؟ تردیدی نیست که گزینه دوم به صحت نزدیک تر و با خردسازگارتر است. قرآن کریم به هنگام برشماری ویژگیهای پیامبران مبینی بر این که جملگی حامل رسالت الهی و دارای خشیت و فروتنی در برابر خداوندند، ویژگی پیامبر اسلام - حضرت محمد(ص) - را تنها در این می‌داند که او آخرین فرستاده خداست:

«الذین یبَلِّغون رسالات الله و یخشونه و لایخشون أحداً إلاّ الله و کفی بالله حسیباً. ماکان محمد أباً أحد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین» احزاب/۳۹-۴۰

همان پیامبرانی که رسالت خدا را تبلیغ می‌کنند و از او در هراسند و جز خدا از هیچ کسی نمی‌هراسند، خداوند برای حسابرسی کافی است، محمد(ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده الهی و خاتم پیامبران است.

سه. دوری حقیقت از دسترس عقل

یکی از مبادی باور به پلورالیسم این است که جهان واقع - خواه دین باشد یا فلسفه و یا طبیعت - بسی پیچیده تر از آن است که احکام عقلی ساده درباره آن بتوان مطرح کرد و به یک طرح به گونه جزمی دل بست؛ زیرا که بیشتر یقینهای آدمیان ظنی بیش نیست؛ نه به این معنی که آدمی هیچ گاه به واقعیت نمی‌رسد، بلکه به این معنی که رسیدن به واقع علامت مشخص ندارد... بنابراین به راحتی نمی‌توان ادعا کرد که چه چیزی حق است، چه چیزی حق نیست. ۲۰

عاجز شمردن عقل از رسیدن به حق و واقع و یا رسیدن به واقع و تشخیص ندادن و وقوف نیافتن بر اینکه به واقع رسیده است هر دو جز در تعبیر تفاوتی ندارد. ثمره هر دو، بستن عقل به پای عقل است؛ زیرا در هر دو صورت عقل آدمی ناتوان از دریافت و درک واقع است؛ چه اینکه اصلاً به واقع دسترسی نداشته باشد یا به واقعی برسد که نمی‌داند واقع است. چه بسا صورت دوم، پای بست دوچندان به پای عقل می‌بندد؛ زیرا عقل در آنجا که به واقع نرسیده است و نمی‌داند که نرسیده (جهل مرکب)، و نیز در آنجا که به واقع رسیده است باز هم نمی‌داند که واقع در آغوش اوست. این گونه نگرش به عقل و خرد آدمی سرستیز داشتن با عقل و تمسخر خرد آدمیان است.

قرآن به رغم این نگاه به عقل آدمی در معرفت حقایق نظری به غایت خوش بین است و تأکید مضاعف دارد که انسان باید تنها و تنها از راهی برود و از هدفی پیروی کند که نسبت بدان علم و آگاهی قطعی و روشن داشته باشد؛ و از پیمودن مسیر مشکوک و مظنون بپرهیزد؛ و راه رسیدن به شناخت و آگاهی قطعی و یقینی را نیز دو راه حس و عقل معرفی می‌کند.

«ولاتقف ما لیس لك به علم إنّ السمع و البصر و الفؤاد کلّ اولئک کان عنه مسئولاً»

إسراء/۳۶

در پی آنچه بدان علم نداری نرو، چه، گوش و چشم و دل همه مسئولند. در این آیه مبارکه افزون بر آن که زندگی و پیمایش راه گمانی را مردود می‌شمارد؛ شناخت عقلانی را از نظر درستی و واقع‌رسانی همانند شناخت حسی (شنوایی و بینایی) اعلام می‌دارد:

«قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغنی له ما فی السموات و الأرض إن عندکم من سلطان بهذا أ

تقولون علی الله ما لاتعلمون» یونس/۶۸

گفتند که پروردگار فرزندی برگزیده است؛ خداوند از این نسبتها مبرا می باشد. او از همگان بی نیاز است. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه از آن اوست. شما براین ادعای خود دلیل قطعی (سلطان) ندارید. آیا آنچه بدان علم و آگاهی ندارید به خداوند نسبت می دهید؟!

نسبت دادن صفات مشکوک به خدا و خداشناسی ظنی در زمره خداشناسی و بی دینی است. و اصولاً از منظر قرآن، ظن و گمان به ویژه در معرفت مسائل اعتقادی هیچ ارزش و اعتباری ندارد و انسانی را که از ظن و گمان پیروی می کند، نابینای تهی از خرد معرفی می کند(انفال/۲۲):

«و ما يتبع أكثرهم إلا ظناً إن الظن لا يغني من الحق شيئاً إن الله علیم بما يفعلون»

یونس/۳۶

بیشتر آنان جز از گمان خویش پیروی نمی کنند، با آن که ظن و گمان کسی را از حق بی نیاز نمی کند.

«قد خسر الذین قتلوا أولادهم سفهاً بغير علم و حرّموا ما رزقهم الله افتراءً علی الله قد ضلّوا و ماکانوا

مهتدین» انعام/۱۴۰

آنان که فرزندان خویش را از روی سفاهت و نادانی کشتند بی تردید، زیان کردند. آنان که روزی خدا را با دروغ بستن بر خدا تحریم کردند زیان بردند، اینان به یقین راه خود را گم کردند و به هدایت نرسیدند.

گمراهی و محروم شدن از هدایت، برآیند قطعی روش و رفتاری است که انسان نسبت به حقانیت و درستی آن علم و آگاهی قطعی ندارد.

از سوی دیگر، قرآن با همان تأکید که انسانها را از ایستادن بر پل لرزان ظن و گمان پرهیز می دهد، به تفکر، تدبیر، نظر و تعقل در طبیعت، تاریخ، آفرینش و پدیدارها فرا می خواند. این فراخوان به اندیشه و تدبیر هرگز نمی تواند به این مقصود باشد که هر چند خرد آدمی به واقعیت و حق نمی رسد باز هم باید بیندیشد از آن باب که فعل و غایت با هم انطباق پیدا می کند؛ زیرا قرآن چنین منطقی را به مشرکان عنود و حق گریز نسبت می دهد:

«سيقول الذین أشركوا لو شاء الله ما أشركنا و لا أبأؤنا و لا حرّمنا من شيء کذّاب الذین من

قبلهم...» انعام/۱۴۸

به زودی مشرکان خواهند گفت اگر خدا خواسته بود ما مشرک نمی گشتیم و نه پدران ما مشرک می شدند و نه چیزی را بر خود حرام می شمردیم؛ زیرا خواست خدا تخلف ندارد.

چهار. زمان مندی آموزه های ادیان

ادیان جز در بخش گوهری و باطنی که روح مشترک همه ادیان است - و از همین رو حق ثابت و جاودان اند - در سایر معارف و آموزه ها زمان مند و تاریخی هستند؛ هر عصر و جامعه ای با مقتضیات خاص خود، شریعت و آموزه های رفتاری و مناسک و شعائری را ایجاد می کرده است که با تغییر آن شرایط، آموزه ها و دستور العمل ها نیز دگرگون شده و باید می شدند. جان هیک در کتاب فلسفه دین می نویسد:

«ادیان به عنوان نهادها به نظریه های کلامی و مجموعه قوانین رفتاری که مرزهای آنها را تشکیل

می دهد به خاطر این که واقعیت دینی مستلزم آن بود به وجود نیامدند، بلکه به این خاطر به وجود

آمدند که چنان تحولی از نظر تاریخی در ایام ارتباطات توسعه نیافته در میان گروه های مختلف فرهنگی اجتناب ناپذیر بود، اکنون که جهان به یک واحد ارتباطی تبدیل گردیده ما به سمت آینده ای در حرکت هستیم که در آن برای اندیشه دینی این امکان و موقعیت فراهم می گردد که از این مرزهای تاریخی - فرهنگی فراتر رود.» ۲۱

یکی از مدافعان این نظریه می نویسد:

«آنچه در نابرابری سیاسی مؤمنان و غیرمؤمنان و مردان و زنان در کتاب و سنت و فتاوی فقهی دیده می شود مقتضیات واقعیتهای اجتماعی - تاریخی عصرهای گذشته است. در عصر حاضر می توان به گونه ای دیگر عمل کرد.» ۲۲

این مبنا گذشته از این که در کلیت خود ادعای بی دلیل و برهان و نوعی خداشناسی انسان انگارانه است، با مبنای دیگری از پلورالیسم که قراء تهای مختلف از یک متن و دین را حجت و روا می شمارد ناسازگار است؛ زیرا که متن اگر به افق تاریخی خود وابسته باشد در عصر حاضر هیچ قراءتی از متون، جز قراءت زمان مندانه حجیت ندارد؛ نه اینکه تمامی فهم ها و قراءت ها اعتبار و حجیت همسان داشته باشد، حجیت قراءت تهای مختلف از یک متن، ارزش فراتاریخی متون و نصوص دینی را در پی دارد.

قرآن کریم به عنوان یکی از نصوص و متون دینی که داعیه دار آخرین پیام آوری از آسمان به زمین است، نگاه فراتاریخی دارد و معارف و آموزه های وحیانی خود در حوزه اندیشه و عمل را جاودانه می شمارد و در یک دستور عام و کلی مردمان همه زمانها و مکانها را به پیروی بی چون چرا از هر آنچه در آیین اسلامی وجود دارد فرا خوانده است:

«... ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا...» حشر/۷

آنچه را که رسول خدا برایتان آورده است پس بگیرید و از آنچه بر حذر می دارد، اجتناب ورزید. علامه محمد جواد مغنیه در بیان معنی و دلالت این آیه مبارکه می نویسد:

«این آیه میان گفتار خدا و پیامبر رابطه برقرار کرده و گوش دادن و پیروی از هر دو را واجب قرار داده است؛ چه آن گفته امر باشد یا نهی، زیرا کلام پیامبر وحی الهی است (و ما ینطق عن الهوی. إن هو إلاّ وحی یوحی)» (نجم/۴) ... همه مسلمانان بر این نکته اتفاق نظر دارند که پس از پیامبر، نه وحی و نه تشریح و نه اجتهادی وجود ندارد، مگر آن گاه که سخن مجتهد برگرفته از شریعت خداوند و پیامبر (ص) او باشد.» ۲۳

### پنج. نسبیت فرهنگی

برخی از پلورالیست ها بر این باورند که سخن از حقانیت یک دین پذیرفته نیست. وجه مقبول نبودن به شیوه های گوناگون تبیین شده است؛ جان هیک دلیل تفاوت ادیان را وجود فرهنگهای متفاوتی می داند که در برابر حقیقت، واکنشهای متفاوتی نشان می دهند. اما به عقیده سید حسین نصر، تعدد ادیان نتیجه و تبلور اراده الهی است که متناسب با فرهنگهای متفاوت، متکثر و گوناگون می نماید:

«به اعتقاد من ادیان گوناگون خود مؤیدی است بر وجود جدایی جوامع متنوع انسانی از همدیگر.» ۲۴

دلیلو. ای. کریستین بر این باور است که هر دینی نوعی صورت حیاتی است با زبان خاص خود، زبان مسیحی که مفاهیم کاملاً مسیحی نظیر تجسد، پسر خدا و تثلیث را به کار می‌گیرد، معنای خود را از نقشی که در دین مسیحی بازی می‌کند می‌گیرد... از این رو ملاک آنچه که باید به عنوان حقیقت پذیرفته شود، خاص این حوزه از کلام است... آنچه که در متن ایمان مسیحی می‌توان گفت نمی‌تواند با آنچه که در متن دین دیگر بیان می‌شود؛ مخالف باشد یا موافق، فی‌المثل بودایی و مسیحی دو قوم مختلف هستند و به جوامع و سنن دینی متفاوت تعلق دارند و به زبانهای دینی متفاوت سخن می‌گویند که هر یک از این زبانها در درون و متن یک صورت حیاتی دین خاص معنی دارد. از این رو بحث بر سر رقیب بودن این دو دین به عنوان پیشنهادهای ایمان داشتن در میان نیست. ۲۵

این مبنا با واقعیتها و حقایق بیرونی که در متن دیانت اسلامی؛ یعنی قرآن نیز بدان اشارت رفته در تعارض است؛ واقعیتها و حقایقی چون:

- کثرت فرهنگی پیروان یک دین.
  - کثرت دینی در میان صاحبان یک فرهنگ.
  - پدیده نوکیشی.
  - فراگیر و کلی بودن مدعیات و حیانی ادیان.
  - دعوت هر دین تازه از پیروان سایر ادیان برای گرایش به دین جدید.
  - تناقضهای اعتقادی و عملی از ادیان در عین سازگاری فرهنگهای پیروان آن ادیان.
- از منظر قرآن و دیانت اسلامی، گرویدن به اسلام سرنوشت حتمی و گریزناپذیر بشر است. پیشگویی این فرجام در حالی است که قرآن تکثر فرهنگی اقوام و ملل را در همان زمان که دین یگانه بر سراسر جهان حکم فرما باشد نفی نمی‌کند:

«هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون»

توبه/۳۳

شش. فراگیری لطف و هدایت الهی

مقتضای رحمت عام و هدایتگری خداوند آن است که نعمت هدایت و رستگاری شامل همه یا دست کم، بیشتر آدمیان و ساکنان زمین باشد. پلورالیسم از این منظر به رحمت واسعه الهی می‌نگرد و کامیابی رسولان در نقش هدایتگری شان را در گرو درستی این ایده می‌داند، جان هیک می‌نویسد:

«می‌توان قبول کرد که خدای مهربان انسان را برای تشکیل نظام اساسی خود آزاد گذاشته است ولی آیا می‌توان فرض کرد پدر آسمانی که همه انسانها را با محبتی بی‌نهایت و یکسان دوست دارد، دستور داده باشد، فقط کسانی که شانس به دنیا آمدن در بخش خاصی از جهان را دارا هستند، فرصت نجات داشته باشند» ۲۶.

دکتر نصر می‌نویسد:

«اگر این امر مسیح، تجسد شخص دوم تثلیث است» صرفاً یک اشتباه بود چگونه خداوند با حکمت و عدالت بی‌کران خود می‌توانست روا بدارد که یکی از ادیان بزرگ جهان که به وسیله آن

میلیونها انسان در جست و جوی نجات و رستگاری بوده اند به مدت دوهزار سال در گمراهی به سر ببرند؟ آیا این فقط یک اشتباه بود؟... اگر کسی ادعا کند که این صرفاً یک اشتباه فاحش بود بنده نمی توانم بپذیرم.» ۲۷

یکی دیگر از دین پژوهان با تکیه بر همین مبنا استدلال می کند:

«و اگر اسم هادی الهی را قبول داشته باشیم؛ و اگر هدایت را در عقایدی که فقط خودمان حق می دانیم منحصر نکنیم، اسم هادی الهی عمل کرده است و در سراسر جهان پخش است و مردم سهمها و حظهای مختلف از هدایت دارند و اکثریت مردم ناجی اند و نجاتشان هم منبعث و ناشی از اهدای آنها است.» ۲۸

همانند این مطلب را اهل سنت در مورد اتفاق و اجماع آرای امت می گویند؛ با این استدلال که امت نباید بر خطا بروند؛ زیرا که خلاف لطف و رحمت و هدایت الهی است.

در پاسخ این مطلب باید گفت اثبات این مطلب که عدد خطاکاران و هدایت نیافتگان در مدت زمان خطا بر اراده الهی تأثیر می گذارد، جای تأمل دارد. آنچه لازمه لطف عام و هدایت گری خداوند است آن است که انبیا و رسولان خویش را به سوی انسانها بفرستد، و اگر پیام آنان به کسانی نرسید (جاهل قاصر) آنها را عذاب و کیفر نکند؛ اما اگر پیام رسید و فردی یا افرادی هر چند اکثریت به دلایل و انگیزه هایی از پذیرش حق خودداری ورزیدند، این امر سبب نمی شود که راه بیراهه شود و گمراهی به حق و حقانیت تغییر یابد.

شگفت آن که در منطق قرآنی درست بر عکس این مبنا بیشتر مردمان در بیشتر موارد از پیمودن راه هدایت سرباز می زنند، و این بر همان اساس است که قرآن و اسلام هیچ گاه اکثریت را معیار سنجش و داوری حق و باطل و یا حجیت چیزی بر چیز دیگر نشمرده است:

«و إن تطع أكثر من فی الأرض یضلّوک عن سبیل الله إن یتبعون إلاّ الظن و إن هم إلاّ یخرسون»  
انعام/۱۱۶

و اگر تو از رأی اکثریت اهل زمین پیروی کنی تو را از راه خدا بیرون می کنند؛ زیرا که آنها جز به دنبال گمان نیستند و با حدس و تخمین داوری می کنند.

«أنه الحق من ربك و لكن أكثر الناس لا یؤمنون» هود/۱۷

قرآن به حق از جانب پروردگار نازل شده است، اما متأسفانه بیشتر مردمان ایمان نمی آورند.

«و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأوّلین» صافات/۷۱

بیشتر امتهای پیشین، پیش از این راه راست را گم کرده بودند.

«أم تحسب أن أكثرهم یسمعون أو یعقلون إن هم إلاّ كالأنعام بل هم أضلّ سبیلاً»

فرقان/۴۴

آیا می پنداری که بیشتر اینان گوش شنوا دارند و یا اندیشه و تعقل می کنند؟! اینان فقط به سان چهارپایان - در فکر خورد و خواب - اند، بلکه گمراه ترند!

مدافعان پلورالیسم بدین نکته توجه دارند که لازمه لطف عام و هدایت شامل خداوند، ارسال رسل است و بس، اما اگر واکنش مردم، مثبت بود و به پیام جدید روی آوردند بر هدایت اند و گرنه، یا از محیط پیام دورند و تلاش می کنند و نمی رسند که معذورند و یا به اختیار گمراهی را در پیش گرفته اند. برخی چنین پاسخ گفته اند:

«اینجا بین اختیار و گزینش خلط شده است؛ مقلدان که اکثریت دینداران را تشکیل می دهند به تقلید و یا جبر محیط و یا به اصطلاح به علت، دین می آورند مختارند، اما گزینش نمی کنند چون شقوق مختلف در برابرشان نیست، اگر هم باشد قدرت و فرصت گزینش ندارند... و چون چنین است در حقیقت گمراهان با اختیار گمراه شده اند و گمراهی را برنگزیده اند، بلکه از هدایت محروم مانده اند. و این با هدایت گری خداوند منافات می یابد.» ۲۹

اما این نویسندگان و دیگران به این مطلب توجه نکرده و پاسخ نگفته اند که در این صورت، به فرض آن که پای انتخاب و گزینش به میان آید، آیا آنچه نتیجه می شود حقانیت باورها و اعتقادات افرادی است که به هدایت جدید و غیرمحیطی دست نیافته اند و یا معذوریت آنها؟! ظاهراً هیچ دلیلی بر ترجیح حقانیت بر معذوریت وجود ندارد و انتخاب و حقانیت به هیچ روی ملازم یکدیگر نیستند.

هفت. تکثر فهم دینی

دین در مقام اثبات برآیند فهمهای ما از متن است. متن خود صامت است و ما باید آن را بر سر سخن آوریم. و از سویی فهم ما در هاله ای از پیش فرض ها و انتظارات قرار دارد و هنگامی که به سراغ متن می رویم، آن را متناسب با پرسشها و پیش فرض های خود فهم می کنیم. و از دیگر سو چون پیش فرض ها و انتظارات ما همواره از بیرون متن وارد می شود و بیرون نیز همیشه در حال دگرگونی و گردش است، فهم ما از متن نیز همواره در حال دگر شدن است. از این رو باید تقسیم دوگانه وحی و تفسیر وحی را کاملاً رعایت کرد. ما جملگی در اقیانوسی از تفاسیر غوطه وریم و هرگاه بکوشیم تفسیر و تعبیری صادق از متن به دست بدهیم در این اقیانوس غرقه تر می شویم. ۳۰

«وقتی که این معنی مفهوم افتد، راه برای دموکراسی دینی و درک وحدت متعالی ادیان که مستند به پلورالیسم دینی است گشوده خواهد شد.» ۳۱

نتیجه ای که از این مبنا به دست می آید سوفیسم است، زیرا هر فهمی در میانه حق و باطل می ایستد و با هر یک نسبت مساوی دارد، نمی شود فهمی را حق نامید و دیگری را باطل، و این برابر است با لادری گری. حال آن که هدف طرفداران پلورالیسم از طرح این مبنا میوه حقیقت چیدن از هر شاخه و فهمی است که بر درخت متن می روید. افزون بر این، تکثر فهم و تفسیر از یک متن موجب تکثر دینی نمی شود، بلکه تکثر مذهبی و فرقه ای در درون یک دین و متن را در پی خواهد داشت و این بسی فروتر از مدعای پلورالیسم دینی است. در باور قرآنی زبان دین و متن دینی بسی صریح و روشن است؛ چه در غیر آن در تناقض باهدف تربیتی و هدایتگری قرآن قرار می گیرد و صراحت و روشنی بیان قرآن نیز بدان منظور است که به فهم درآید و عقل آدمی بتواند آن را دریابد:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» یوسف/۲

ما این قرآن را به زبان عربی نازل کردیم تا شما مردم در آن بیندیشید.

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» زخرف/۳

ما این قرآن را عربی قرار دادیم تا شما در آن اندیشه کنید.

آری درست است که پاره ای از گزاره های متن دینی در تشابه قرار دارد اما آیات و گزاره های

محکم، قفل بسته متشابهات را می گشاید. (آل عمران/۷)

۱. کشف هند، جواهر لعل نهرو، ترجمه محمود تفضلی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۱، ۳۰۴/۱.
۲. فروغی، محمد علی، سیرحکمت در اروپا، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۴۴، ۱۹۳/۳.
۳. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ۱۳۶۳، ۵۰.
۴. مددپور، محمد، مبانی اندیشه های اجتماعی غرب؛ از رنسانس تا عصر منتسکیو، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۲، ۱۶۱.
۵. قدردان قراملکی، فرامرز، سویه های پلورالیزم، ۲۰-۱۱.
۶. پارادایم پیچیدگی، روش نوین در جامعه شناسی امروز - گفت و گو با اوگا و مدرن، بازتاب اندیشه در مطبوعات ایران، فروردین ۱۳۸۱، قم، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، شماره ۵، صفحه ۶۱.
۷. «مهاتماگاندی؛ پیام آور رواداری»، رامین جهانگللو، ترجمه محمدرضا پارسایاد، مجله کیان، سال هشتم، شماره ۴۵، صفحه ۶۷.
۸. هیک، جان، فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۲، ۲۱۲.
۹. ویلیام، مونتگمری وات، حقیقت دینی در عصر ما، ترجمه ابوالفضل محمودی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، ۲۰۰.
۱۰. ویل دورانت، درسهایی از تاریخ، ضمیمه درآمدی بر تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحایی، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ۲۰۹.
۱۱. لگنهاوزن، محمد، اسلام و کثرت گرایی دینی، ترجمه نرجس جوان، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹، ۳۲.
۱۲. همان، ۱۰.
۱۳. همان، ۱۱-۱۰.
۱۴. بازتاب اندیشه در مطبوعات روز ایران، شماره ۲۵، مقاله پارادایم پیچیدگی در جامعه شناختی امروز، ۶۱۰.
۱۵. صادقی، هادی، «پلورالیسم، دین، حقیقت، کثرت»، تازه های اندیشه (۴)، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷، ۷۷.
۱۶. لگنهاوزن، محمد، اسلام و کثرت گرایی دینی، ۸.
۱۷. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالفکر، ۴۸۸/۱، ۸۳.
۱۸. سروش، عبدالکریم، ماهنامه کیان، شماره ۴۰، صفحه ۱۰.
۱۹. مجتهد شبستری، محمد، نقدی بر قراءت رسمی از دین، تهران، طرح نو.
۲۰. سروش، عبدالکریم، ماهنامه کیان، شماره ۴۰، صفحه ۵.
۲۱. هیک، جان، فلسفه دین، ۲۳۴.
۲۲. مجتهد شبستری، محمد، نقدی بر قراءت رسمی از دین، تهران، طرح نو، ۱۵۰.
۲۳. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۱م، ۲۸۷/۷.
۲۴. لگنهاوزن، محمد، اسلام و کثرت گرایی دینی، ۱۲۶.
۲۵. هیک، جان، فلسفه دین، ۲۸.
۲۶. لگنهاوزن، محمد، اسلام و کثرت گرایی دینی، ۷۴.

۲۷. مصاحبه با جان هیک و سید حسن نصر، ادیان و مفهوم ذات غایی، ترجمه احمد رضا جلیلی، مجله مونت، سال ششم، شماره دوم، شماره مسلسل ۲۳، ۷۳.
۲۸. گفت و گو با دکتر سروش، حقانیت، عقلانیت، هدایت، ماهنامه کیان، سال هفتم، بهمن و اسفند ۷۶، شماره ۴۰، صفحه ۱۶.
۲۹. همان.
۳۰. سروش، عبدالکریم، ماهنامه کیان، شماره ۳۸، صفحه ۹-۸.
۳۱. همان.

